



نگاهی به وضعیت محیط کار و آمار حوادث

جعفر حسین زاده

ضرب خوردگی در محیط‌های کاری خود قرار دارند. و بسیاری از خانواده‌ها به خاطر از دست دادن نان‌آوران خود، با مشکلات و دشواری‌های بسیار مواجه هستند. اما تا به امروز مسئولین دولتی هیچ‌گونه برنامه‌ی اطلاعاتی، بهداشتی و آموزشی برای چگونگی مقابله با سوانح شغلی و خطرات ناشی از قرار گرفتن در معرض مواد سمی و شیمیایی تدوین ننموده‌اند و فقط در آمارهای خود سوانح کاری را ذکر می‌کنند.

طبق دفتر آمار و محاسبات اقتصادی و اجتماعی سازمان تامین اجتماعی، از سه میلیون کارگاه کوچک و فعال کشور، بیش از ۹۵ درصد را کارگاه‌های زیر ۱۰ نفر تشکیل می‌دهند و بیش از ۵۵ درصد از کل کارگران ایران در همین کارگاه‌های کوچک مشغول به کارند. به عبارت دیگر در این دسته از کارگاه‌ها نه فقط کارگران از شمول قانون کار و قوانین حمایتی وزارت کار محروم هستند، بلکه اضافه بر آن، هیچ‌گونه ضابطه‌ای هم بر شرایط کار در این کارگاه‌ها حاکم نیست.

در بخشی از این کارگاه‌های کوچک، زنان کارکنندگان اصلی آن هستند که در قسمت‌های بسته‌بندی مواد غذایی، قالی‌بافی، بافندگی و منسوجات مشغول هستند. این بخش از کارگران از خدمات درمانی و بیمه‌ای بهره‌مند نمی‌باشند و از مزد مناسب و ساعات کار قانونی و امکانات حفاظتی، ایمنی، بهداشتی و نظارتی برخوردار نمی‌باشند و بیشترین حوادث ناشی از کار، در این کارگاه‌ها رخ می‌دهد. تعداد این حوادث در محاسبات آماری در نظر گرفته نمی‌شوند.

کارگران در محیط‌های کاری ناامن، در معرض ازدست دادن جان، بینایی و شنوایی، شکستگی دست و پا و انگشتان و قطع آنها، قطع نخاع، ابتلا دایمی به آلرژی، سوختگی و مسمومیت با مواد شیمیایی، بیماری‌های ریوی و تنفسی، خستگی مفرط، انواع فشارهای عصبی و روانی، کم خونی و تغذیه ناکافی و بسیاری خطرات دیگر قرار دارند.

سیاست اصلی کارفرمایان این است که تا هنگامی که حادثه‌ای اتفاق نیافتاده، گامی برای مساعد کردن وضعیت حفاظت از کارگران در محیط‌های کار انجام نمی‌دهند. و در واقع آنها موضوع بهداشت، ایمنی کار در کارگاه‌ها، کارخانجات، مزارع و کشتزارها و معادن را به عنوان یک پدیده‌ی لوکس ارزیابی می‌کنند.

رئیس مرکز تحقیقات پزشکی قانونی ایران به خبرگزاری ایلنا اعلام کرد که در ۹ ماهه‌ی سال گذشته، ۱۵۵۹ نفر بر اثر حوادث ناشی از کار در کشور جان خود را از دست داده‌اند. به گزارش این خبرگزاری، اگر رقم اعلام شده توسط این مقام مسئول در پزشکی قانونی را در در روزهای ۹ ماهه (بدون کسر روزهای تعطیل) تقسیم کنیم، متوجه می‌شویم که روزانه به‌طور میانگین ۵/۷ نفر از کارگران بر اثر حوادث حین کار جان خود را از دست می‌دهند.



موضوع حفاظت و سالم‌سازی محیط کاری و حوادث ناشی از آن مسئله‌ای است که تمامی کارگران جهان با آن مواجه هستند و کشور ما هم جدا از این موضوع نیست. در رابطه با معضل دیرپای سوانح شغلی و بیماری‌های ناشی از کارهای سخت و زیان‌آور که منجر به نقص عضو، از کار افتادگی و از دست دادن جان کارگران می‌شوند، اتحادیه‌های سراسری کارگران خدمات اجتماعی در کشور کانادا، در سال ۱۹۸۵، پیشنهاد اختصاص روزی را به عنوان احترام و همبستگی با این طیف از کارگران، به پارلمان و دولت ارائه دادند.

کوشش پی‌گیر اتحادیه‌های سراسری کنگره‌ی کار کانادا، سرانجام به ثمر نشست و روز ۲۸ آوریل ۱۹۹۱ (هشتم اردیبهشت) به نام «همبستگی با کارگران سانحه دیده» نام‌گذاری و به رسمیت شناخته شد.

پس از آن در انگلستان، آمریکا، اسکاتلند، نیوزلند و دانمارک و تعدادی از کشورهای آسیایی از جمله تایوان نیز اقداماتی برای به رسمیت شناختن این روز سازماندهی شد. و از آن موقع به بعد گرمی‌داشت این روز درگستره‌ی بین‌المللی به‌طور وسیع و باشکوه برگزار می‌شود.

متأسفانه در کشور ما، دولت جمهوری اسلامی و به‌خصوص وزارت کار، رفاه و تامین اجتماعی تاکنون هیچ واکنشی به این روز نشان نداده است. همچنین سازمان تامین اجتماعی تاکنون به تحلیل و بررسی همه جانبه و ضرور در خصوص خطرات شغلی برای کارگران در مراکز صنعتی و کشاورزی دست نزده است.

در جمهوری اسلامی، در کنار انواع رنج‌های بی‌شماری که طبقه‌ی کارگر می‌کشد، در اثر فقدان امکانات ایمنی، بهداشتی و حفاظتی در کارخانجات، شرکت‌ها و موسسه‌های تولیدی و صنعتی، هر ساله جان هزاران کارگر به‌خاطر سوانح و بیماری‌های ناشی از کارهای سخت و زیان‌آور در معرض خطر قرار می‌گیرد.

طبق برآورد کارشناسان وزارت کار و تامین اجتماعی، بیش از یک میلیون کارگر و کارمند در معرض آلودگی ناشی از وجود مواد شیمیایی، سقوط کردن، گاز گرفتگی و



- گروه سنی ۲۵-۲۹ سال با بیشترین افراد حادثه دیده، چهارهزار و ۹۹۹ نفر (۲۴/۲۵ درصد) در رده اول قرار دارد و گروه سنی زیر ۱۵ سال رقمی معادل ۱۰ نفر را به خود اختصاص داده است.

- بیشترین آمار حوادث ناشی از کار و سانحه‌های شغلی، به کارهای ساختمانی و امور مربوط با فلزات اساسی، ماشین‌های الکترونیکی و غیرالکترونیکی ارتباط پیدا می‌کند که ارقام آنها به ترتیب معادل پنج‌هزار و ۴۷۹ (۲۶/۶۹) و چهارهزار و ۷۷۷ (۲۳/۲۷ درصد) می‌باشند و ۵۸ مورد (سه درصد) از آن به فعالیت در مشاغل متفرقه در صنایع تعلق دارد.

- ۶۷ درصد از حادثه‌دیده‌گان در نوبت کاری صبح و ۲۷ درصد در نوبت عصر و شش درصد در نوبت شب آسیب دیده‌اند .

- ۹۵ درصد از حوادث در "داخل کارگاه" رخ داده است. این در حالی است که یک درصد حوادث در زمان "رفت و آمد" به محل کار به وقوع پیوسته است.

در مجموع ۲۰ هزار و ۵۳۲ کارگران حادثه دیده در اصفهان و خوزستان، بیشترین میزان حادثه را با ارقامی معادل ۱۹۲۳ (۹/۴ درصد) و ۱۴۳۶ (۷ درصد) به خود اختصاص داده‌اند و کمترین آنها مربوط به استان‌های خراسان جنوبی- بوشهر، با ارقامی معادل ۸۶ (چهار درصد)، ۱۰۲ (نیم درصد) و ۹ نفر بوده است .

بهداشت و ایمنی شغلی ضمن این که موضوعی صنفی برای کارگران است ، مثل هر موضوع دیگر کارگری می‌تواند یک موضوع مهم سیاسی نیز باشد. به عبارت دیگر هرچه میزان و درجه‌ی استثمار کارگران بیشتر باشد، به همان میزان درجه‌ی مرگ و میر و مبتلا شدن آنان به بیماری شغلی بیشتر خواهد بود .

تا زمانی که حق تشکلیابی مستقل کارگران از آنان سلب شده باشد و کارگران به خاطر فعالیت‌های اتحادیه‌ای و سندیکایی مورد تعقیب و آزار و زندان و در معرض اخراج قرار بگیرند، طبعاً درخواست برای تامین بهداشت و ایمنی و حوادث کار به عنوان یک موضوع جدی در جامعه‌ی کارگری مطرح خواهد بود.

رئیس مرکز تحقیقات پزشکی قانونی ایران نیز به خبر گزار رسمی ایلنا گفت که این رقم در مقایسه با مدت مشابه در سال قبل (۱۳۹۱) که تعداد فوت شونندگان حوادث کار ۱۳۸۰ نفر بود، ۱۲ درصد افزایش داشته است. گزارش آمار حوادث ناشی از کار در سال ۱۳۹۱ را که معاونت اقتصادی و برنامه‌ریزی و دفتر آمار و محاسبات اقتصادی و اجتماعی سازمان تامین اجتماعی تهیه کرده است، کوتاه مرور می‌کنیم .

- آمار حوادث ناشی از کار در سال ۱۳۹۱ نسبت به دوره‌ی مشابه سال قبل ۶۵ درصد رشد داشته است .

- از ۲۰ هزار و ۵۳۲ حادثه ای که در سال ۱۳۹۱ بوقوع پیوسته، ۶۹ درصد مردان دچار حادثه شده‌اند و در مقابل سهم زنان دودرصد بوده است . این در حالی است که نسبت بیمه‌شدگان زن به مرد ۲۲ درصد می باشد .

- ۷۸ درصد از بیمه‌شدگانی که در سال ۱۳۹۱ دچار سانحه‌ی شغلی شده‌اند، متأهل بوده‌اند. آمار مربوط به مجردین نیز ۲۲ درصد بوده است .

- بیشترین آمار نوع حادثه مربوط به سقوط کردن، لغزیدن، ضرب خوردگی است که به ترتیب با ارقامی معادل چهارهزار و ۲۴۶ مورد (۱۹/۲۶ درصد) و سه‌هزار و ۲۶۳ مورد (۱۵/۳۴ درصد) تعداد حادثه می‌باشند.

- بیشترین رقم بیمه‌شدگان حادثه دیده بر اثر وقوع حادثه ،مربوط به بی‌احتیاتی با رقمی معادل ۱۲ هزار و ۱۳۲ مورد (۴۹/۵۶ درصد) می‌باشد.

و تهویه‌ی نامطلوب و نور ناقص هر کدام با ۳۳ مورد (۱۵ درصد) منجر به حادثه بوده‌اند.

- از ۲۰ هزار و ۵۳۲ نفری که در سال ۱۳۹۱ دچار حادثه‌ی شغلی شده‌اند، ۱۸ هزار و ۹۴۴ نفر (۹۲/۲۷ درصد) بهبود یافته‌اند، ۵۰۸ نفر (۲/۴۷ درصد) از کار افتاده و ۹۶۷ نفر (۴/۷۱ درصد) نقص عضو و ۱۱۲ نفر (۵۵ درصد) نیز فوت کرده‌اند.

۲۰ درصد از علل وقوع حادثه "بی‌احتیاتی و سایر علل" و نوع حادثه سقوط، لغزیدن، تصادف با وسیله نقلیه و ... بوده که باعث از کار افتادگی و فوت شدند.

از تجارب دیگران

جنبش کارگری و نقش آن در مرحله‌ی گذار از دیکتاتوری

بخش چهاردهم

نیکلاس سارتوریوس و البرتوسایو

تدابیر اعتصابات (۵)

در رابطه با استان کاتالونیا، همان‌طور که سیاستین بالفور در کتاب خود تحت عنوان «دیکتاتوری، زحمتکشان و شهر جنبش کارگری در بارسلون» یاد می‌کند، برآمدهای بسیار

گسترده‌ای در این استان رخ دادند. در جریان اعتصاب شرکت ماشین‌سازی «سیات» که یکی از بزرگترین شرکت‌های آن زمان بود، پلیس به کارخانه وارد شد و به اعتصاب کنندگان هجوم آورد. این اولین بار بود که پلیس به چنین اقدامی در صحن یک مقر کارخانه دست می‌زد. قابل توجه این که حمله‌ی پلیس بعد از اخراج ۵۰۰ کارگر و جریمه‌ی چند صد تن دیگر انجام گرفت. نمونه‌ی دیگر وضع در شهرک سابادل بود، که با رکود کامل قابل توصیف است: شرکت تلفونیکا شاهد تحصن‌های متعدد بود و بندر بارسلون تماماً از فعالیت بازمانده بود. کشتی‌ها برای تخلیه و بارگیری راهی بنادر دیگر شده بودند.



واقعیت سیاسی به خیابان‌های شهرهای استان کاتالونیا، که مردمش علی‌رغم گلوله‌های کاتوچونی و گازهای اشک‌آور تظاهرات می‌کردند، متفرق می‌شدند و دومرتبه تجمع می‌کردند، جهش کرده بود.

همراه با مطالبات سیاسی زحمت‌کشان و میل به مشارکت فعال دیگر بخش‌های جامعه در پروسه‌ی دموکراتیزه کردن کشور، منازعات صنفی در دو مورد مشخص و مرتبط به هم، یعنی قراردادهای دسته‌جمعی و علیه «قانون انجماد دستمزدها» متمرکز شده بودند.

بسیاری از شرکت‌ها با استفاده از این قانون، از مذاکره سر باز می‌زدند. سعی کارگران این بود که سطح زندگی‌شان، اگر بهتر نشود، حداقل بدتر هم نشود. بر این اساس بود که پلاتفرم‌های مطالباتی، راهپیمایی‌ها، گردهمایی‌ها و سرانجام اعتصاب‌ها شکل می‌گرفتند.

کارفرمایان تحت پوشش «قانون موجود» از جواب مثبت به مذاکرات طفره می‌رفتند و بهانه می‌آوردند. این بهانه‌ها چندان کارایی نداشتند، چون پیش می‌آمد که خود دولت هم این قانون را، که ظاهراً خدشه‌ناپذیر بود، نادیده بگیرد. برای نمونه می‌توان از وقایع کارخانه‌ی کشتی‌سازی الکانو در والنسیا نام برد. کارگران این شرکت، علی‌رغم بحران و «قوانین خدشه‌ناپذیر موجود»، با اعتصابی طولانی توانستند از محدوده‌ی این قانون گذر کنند. خواست آنها افزایش حقوقی برابر پنج‌هزار پزوتا بود که به چهارهزار و ۷۲۰ پزوتا دست یافتند.

روشن است که در چنین شرایطی یک سندیکای ضعیف وابسته، به موضع منفی کارفرمایان و دفاع از قانون کار گفته شده درغلند. این توصیف وضع سندیکاهای دولتی است. آنها در مقابل مطالبات مکرر کارگران برای برگزاری اجلاس سازمان سندیکای دولتی جواب مثبت می‌دادند، ولی وقتی احساس می‌کردند که کنترل اوضاع دارد از دست‌شان خارج می‌گردد، از ادامه‌ی اجلاس جلوگیری می‌کردند.

به‌طور کلی، در سه ماه اول ۱۹۷۶ مشکلات برای برگزاری هر نوع تجمعی بسیار زیاد بودند. اگر هم اجازه‌ی برگزاری تجمعی داده می‌شد، تهدیدهای تلفنی مشکوک شیوع می‌یافتند؛ تهدید به بمب‌گذاری در اماکنی که محل تجمع بیکاران و زحمت‌کشان بودند. گاهی اوقات درهای سندیکاهای دولتی برای برگزاری بعضی از اجلاس‌ها باز می‌شدند، ولی با بالا گرفتن درگیری‌ها، این درها دوباره قفل می‌خوردند یا کار به مداخله‌ی پلیس می‌انجامید.

برای اکثریت کارگران مشخص بود که سندیکای دولتی آینده‌ای نخواهد داشت، ولی همین سازمان دولتی به غصب نمایندگی قانونی کارگران ادامه می‌داد و از پول و مکانی که متعلق به آنها بود، استفاده می‌کرد.

با این حال مقابله با سندیکالیسم دولتی برای برچیدن آن، در ماه‌های اول ۱۹۷۶ و مادام و در صورتی که این نوع سندیکالیسم محدودیتی بر سر راه کارگران به سوی دموکراسی ایجاد نمی‌کرد و کل فعالیت‌های کارگری را تحت کنترل موازی «بوروکرات‌ها» (اصطلاح رایج آن زمان) در نمی‌آورد، هدف مقدم مبارزات کارگری نبود.



در بیمارستان سان پائولو فقط بیماران بسیار اضطراری را عمل می‌کردند. اعتصاب این بیمارستان به خاطر عدم رسیدگی به خواسته‌های متخصصان بیهوشی بود. در شهر باخو یوبرگات همانند دیگر شهرهای استان کاتالونیا، از کارمندان دولتی گرفته تا رانندگان اتوبوس‌های شهری و محلی، تماماً دست از فعالیت کشیده بودند.

سازمان سندیکایی در شهر بارسلون در همان روزهای نخست سال ۱۹۷۶ اعتصاب عمومی اعلام کرد. این فراخوان به اعتصابی انجامید که در تمام ۱۵ روز آخر ماه ژانویه‌ی ۱۹۷۶ ادامه داشت. هم‌چنین می‌بایست با کارگران شرکت لافورسا، که پلیس تحصن آنان را با توسل به ارتش درهم کوبیده و یکی از کارگران را به عمد با ماشین زیر گرفته بود، اعلام هم‌بستگی می‌شد.

ایگناس ریراس و خوسه بوتیها در کتاب «۱۵ سال مبارزات کارگری» می‌نویسند: «کارگران این شرکت بعد از برگزاری چندین جلسه تصمیم گرفتند که به هیچ عنوان اخراج ولو یک نفر را قبول نکنند. شعار «یا همه یا هیچ‌کس» از طرف کارگرانی که وضعیت اقتصادی بسیار وخیمی داشتند و آثار سال‌ها مرارت بر بدن‌شان محسوس بود، تکرار می‌شد. هم‌زمان با تحصن این زحمت‌کشان در کلیسای سانتا ماریا، همسران آنان با ژاکتی آبی درتن، در مرکزی‌ترین میدان شهر کورنیا تجمع می‌کردند.

بعد از ۱۰۵ روز اعتصاب بالاخره خواست بازگشت به کار تمامی کارگران اخراجی، البته با جریمه، به کرسی نشست. کارگران اعتصابی در هنگام بازگشت به کارشان، با شور و هیجان و کف‌زدنهای بسیار استقبال شدند. مردم کورنیا و کنشیشان شعارهای «زنده باد اجلاس لافورس»، «زنده باد طبقه کارگر» را سر داده بودند. روز بعد با هدف طرح خواست عفو [زندانیان سیاسی] یک مسابقه‌ی فوتبال بین تیم کارگران شرکت زمینس و شرکت لافورسا برگزار شد.

تیم زمینس سه بر یک پیروز شد، ولی هنوز از عفو خیری نبود. تمام این حرکات اعتراضی با دو تظاهرات میلیونی در روزهای شش و هشت ژانویه تکمیل شدند. شعار مرکزی این تظاهرات، که مهم‌ترین تظاهرات پس از سال ۱۹۳۹ به بعد محسوب می‌شوند، «آزادی، عفو سیاسی و اساسنامه‌ی خودمختاری» بود.



اخبار خارجی

برزیل:

درگیری کارگران دهکده‌ی المپیک ریودوژانیرو با نیروهای انتظامی

آسوشیتدپرس، ریودوژانیرو، ۷ آوریل ۲۰۱۴

روز دوشنبه‌ی گذشته کارگران ساختمانی اعتصابی در تأسیسات "بارا"، بخش اصلی محل برگزاری بازی‌های المپیک تابستانی سال ۲۰۱۶، و مأموران انتظامی ریودوژانیرو با هم درگیر شدند و به زدوخورد دست زدند. ریومایس، کنسرسیون سازنده‌ی تأسیسات، تأیید کرد که در جریان زدوخورد، شلیک‌های پراکنده‌ای هم انجام شده‌اند، اما کسی مجروح نشده است. سخن‌گویان ریومایس و کمیته‌ی [دولتی] بازی‌های المپیک برزیل می‌گویند که مشغول تحقیق در این باره‌اند.



منظره‌ی هوایی از دهکده‌ی ناتمام المپیک در بارا، در نزدیکی ریو

اعتصاب بیش از دوهزار تن از کارگران ساختمانی تأسیسات المپیک روز پنجشنبه سوم آوریل آغاز شده بود. سخن‌گوی ریومایس می‌گوید که "ابتدا معلوم نبود کارگران کی به سر کارهاشان باز خواهند گشت. نزاع بر سر این بوده است که کدام اتحادیه کارگران ساختمانی را نمایندگی می‌کند و به منافع و شرایط کار آنان رسیدگی می‌کند."

این اعتصاب قطعاً توجه هیأت اجرایی کمیته‌ی بین‌المللی المپیک را به خود جلب کرده است. این هیأت همین هفته در تفرج‌گاه "بلک" در بخش مدیترانه‌ای ترکیه، جلسه خواهد داشت. تیمی از ناظران کمیته‌ی بین‌المللی المپیک، که حدود سه هفته پیش از ریودوژانیرو دیدار کرده است، اعلام کرد که "اتمام کارهای تأسیساتی پیش از ضرب‌الاجل‌های مربوطه به چالش سنگینی تبدیل شده است."

توماس باخ، رییس کمیته‌ی بین‌المللی المپیک، مکرراً گفته است که "ریو نمی‌تواند حتی یک روز را از دست بدهد." نگرانی در این باره که کار با تأخیر بسیار به اتمام رسد، وجود دارد. اعتصابات اخیر به این نگرانی دامن زده و به لیست مسائلی که باید در خلال دو سال پیش رو تا بازی‌های ۲۰۱۶ حل و فصل شوند افزوده است.

کارهای ساختمانی در دومین بزرگ‌ترین بخش دهکده‌ی المپیک، در شمال ریو در منطقه‌ای به نام دیودورو، هنوز آغاز نشده‌اند.

آلودگی آب در ساحل گوانابارا، جایی که قرار است مسابقات آبی برگزار شوند، نیز یکی از نگرانی‌های دست‌اندرکاران بازی‌ها است. مقامات المپیک اعلام کرده‌اند که نمی‌خواهند سلامت بازیگران در اثر آلودگی آب به خطر افتد. از این رو قرار است که در ماه اوت امسال کیفیت آب مورد آزمایش قرار گیرد. بسیاری از تأخیرهای بروزیافته ناشی از اختلاف بین مقامات سه لایه‌ای حکومت برزیل بر سر این است که چه کسی باید هزینه‌ها را بپردازد. برآوردها حاکی از آنند که هزینه‌ی بازی‌ها معادل ۱۵ میلیارد دلار خواهد بود که بخش دولتی و خصوصی باید آن را تقبل کنند.

تهدید رئیس اتحادیه‌ی "اتحاد"

راه اندازی حزبی در رقابت با حزب کارگر

ایندیپندنت، ۱ آوریل ۲۰۱۴

بزرگ‌ترین حامی حزب کارگر تهدید کرده است که در صورت شکست اد میلیباند (رهبر حزب کارگر) در انتخابات سال آینده، تمامی ارتباطات موجود با حزب را قطع خواهد کرد. لن مک کلاوسکی، دبیرکل اتحادیه‌ی "اتحاد"، پیش‌بینی می‌کند که اگر حزب کارگر بخواهد در انتخابات سال ۲۰۱۵ به جای یک کارزار محکم چپ، کارزار "بی‌بو و خاصیت ریاضت‌کشی" را پیش برد، شکست خواهد خورد. اتحادیه‌ی مذکور و دیگر اتحادیه‌های متحد آن، خواهان یک کارزار انتخاباتی چپ‌اند. مک کلاوسکی اضافه می‌کند که عدم پیروزی حزب کارگر در انتخابات سال آینده می‌تواند به تأسیس حزب دیگری در رقابت با حزب کارگر منجر شود.

اگر این تهدید عملی شود، جریان چپ در بریتانیا با بزرگ‌ترین بحران ثلث قرن خود و قطعاً با انشعابی بزرگ مواجه خواهد شد. ۳۳ سال پیش، در سال ۱۹۸۱ نیز، تعدادی از نمایندگان مجلس عضو حزب کارگر از این حزب جدا شدند و حزب سوسیال دموکراتیک را ایجاد کردند. در بدو امر، این حزب نیمی از آرای "ضد محافظه کاران" را با خود داشت.

مک کلاوسکی که پنهان نمی‌گذارد در این باره با میلیباند گفت‌وگو داشته است، در صحبت راجع به آینده‌ی حزب کارگر در صورت شکست در انتخابات می‌گوید: "من نگران آینده‌ی حزب کارگر هستم."

او به طور ضمنی اعلام می‌کند که ممکن است "حزب کارگران"، که یک حزب تازه تأسیس است، دست به یک ائتلاف انتخاباتی با حزب لیبرال دموکرات [و باقی احزاب کوچک] بزند و مبتنی بر سیستم نمایندگی نسبی و کسب کرسی‌های بیشتر، در پارلمان جای محکمی برای خود ایجاد کند.

مک کلاوسکی می‌گوید: "کشمکش من با رهبری حزب کارگر بر سر آن است که آنها در کدام طرف ایستاده‌اند. بیایم پیروز انتخابات سال آینده باشیم. بیایم امید مردم عادی را زنده کنیم. عالی است اگر چنین اتفاقی بیافتد [و کشمکشی هم در میان نخواهد بود]."

او می‌افزاید: "از جمله اقداماتی که از حمایت عمومی برخوردار هستند، یکی ملی کردن شرکت‌های عملیاتی مربوط به راه‌آهن است و دیگری افزایش قابل توجه حداقل دستمزدها در سطح سراسری."



وقوع مشاجرات درون حزب را، اگر میلیباند و رهبری حزب نشان ندهند که در طرف ما ایستاده‌اند و حزب انتخابات ماه می سال آینده را بیازد، از هم‌اکنون می‌توان دید. من نگران آینده‌ی حزب کارگر هستم.

قابل ذکر است که از زمانی که اد میلیباند تغییرات رادیکال در مناسبات میان حزب و اتحادیه‌های کارگری را اعلام کرد، شایعه‌ی دایر بر این که چهره‌های برجسته‌ی "اتحاد!" در صدد قطع مناسبات با حزب کارگر و ایجاد حزب دیگری برآمده‌اند، وجود داشته است.

نفوذ عظیم "اتحاد!" در حزب کارگر، ضامن اصلی پیروزی اد میلیباند در سال ۲۰۱۰ [در انتخابات داخلی حزب] بود. اما مناسبات "اتحاد!" و حزب در ماجرای "فالکرک" به سردی گرایید. در ماجرای مذکور "اتحاد!" کوشیده بود با جذب اعضای جدید به حزب، کرسی نمایندگی کاری مورفی را تضمین کند.

این روشن است که در صورت شکست حزب کارگر در انتخابات سال آینده، "اتحاد!" (بزرگ‌ترین اتحادیه‌ی کارگری بریتانیا) و اتحادیه‌ی جی.ام.بی. (اتحادیه‌ی کارگران شهرداری‌ها، سومین اتحادیه‌ی بزرگ بریتانیا) پیوندهاشان را با حزب کارگر قطع کنند و به اتحادیه‌ی کارگران راه آهن (آر.ام.تی) که تحت رهبری باب کراو به همکاری با حزب کارگر خاتمه داد، بپیوندند. تعداد اعضای این سه اتحادیه مجموعاً ۱/۲ میلیون نفر است.

"مبتنی بر مقررات اتحادیه، ما با حزب کارگر پیوند خورده‌ایم و نمی‌توانیم به حمایت از دیگر احزاب دست زنیم. بنابراین مقررات اتحادیه باید تغییر کنند. آیا کنگره‌ای که مقررات را تغییر دهد متصور است؟ آری، و این به عهده‌ی میلیباند است که اکنون که حزب کارگر بر سر دوراهی قرار گرفته است، نشان دهد که حزب صدای ما است."

"ما در سیاست به جایی رسیده‌ایم که دیگر کار با شکسته‌بندی به سیاق سابق راست و ریس نمی‌شود.

📖 اخبار داخلی



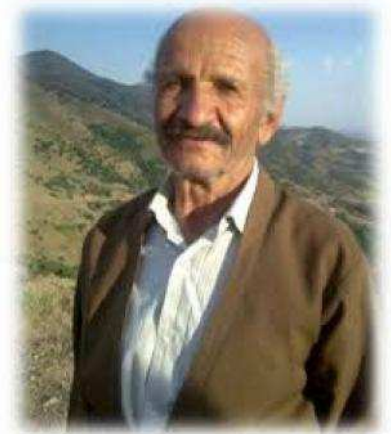
بیمارستان، بلافاصله به زندان برگردانده شد.

کمیته‌ی دفاع از کارگران زندانی مهاباد ضمن محکوم کردن این تصمیم که توسط دادستان مهاباد اتخاذ شده، از کلیه‌ی وجدان‌های بیدار و کارگران، تقاضا دارد تا نسبت به این تصمیم دادستانی مهاباد، اعتراض خود را به هر شکلی که برای‌شان میسر است اعلام کنند.

محمد مولانایی کارگر بازنشسته‌ی شهرداری مهاباد ۷۶ سال سن دارد و به اتهام دفاع از حقوق کارگران و عضویت در کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری توسط دادگاه مهاباد به یک سال حبس تعزیری محکوم شده و با وجود بیماری‌های متعدد که دچار او شده و پزشکان چند بار اعلام کردند که توان ادامه‌ی حبس را ندارد، تا این لحظه قوه قضائیه هنوز به درخواست پزشکان و خانواده‌ی محمد مولانایی جواب نداده و آماده نیست تا این کارگر مریض و مسن را آزاد کند.

کمیته‌ی دفاع از کارگران دستگیر شده مهاباد:

"وجدان‌های بیدار، کارگران به هر شکل ممکن اعتراض کنید"



کمیته‌ی دفاع از کارگران دستگیر شده‌ی مهاباد در اطلاعیه‌ی شماره‌ی ۱۲ خود خواستار حمایت گسترده‌ی نیروهای آزادی‌خواه و عدالت‌طلب در دفاع از محمد مولانایی کارگر بازنشسته‌ی شهرداری مهاباد شده است در این اطلاعیه آمده است:

ساعت ۱۰ صبح روز یکشنبه ۱۷ فروردین ماه ۹۳، محمد مولانایی کارگر زندانی که جهت معالجه‌ی پزشکی به مرخصی آمده بود، به زندان برگشت. این در حالی است که این کارگر زندانی هنوز تحت درمان و در بیمارستان مهاباد بستری بود. وی بعد از ترخیص از

اتحادیه‌ی آزاد کارگران ایران با تقدیر از محمد جراحی که علیرغم بیماری سرطان و محبوس بودن خود در زندان مرکزی تبریز، نامه‌ی او را در حمایت از شاهرخ زمانی منتشر کرده است اعلام می‌دارد:

شاهرخ زمانی، محمد جراحی، رضا شهابی، بهنام ابراهیم زاده و دیگر کارگران و انسان‌های آزادی‌خواهی که در زندان‌های سراسر کشور محبوس شده‌اند، می‌باید فوراً و بی‌هیچ قید و شرطی آزاد شوند. این کارگران هیچ جرمی جز دفاع از حقوق انسانی طبقه‌ی کارگر ایران مرتکب نشده‌اند و

واکنش به نامه‌ی محمد جراحی از زندان مرکزی تبریز در حمایت از شاهرخ زمانی

"جان شاهرخ زمانی در خطر است!"

شاهرخ زمانی در اعتراض به انتقالش از زندان گوهردشت به زندان قزل حصار دست به اعتصاب غذا زده است و در حال حاضر به دلیل بیش از ۳۰ روز اعتصاب غذا در وضعیت جسمانی بسیار خطرناکی قرار گرفته است.



که به عنوان بزرگ‌ترین معادن طلای ایران و خاورمیانه شناخته شده‌اند. این در حالی است این شهر یکی از شهرهای فقیر گردستان ایران به شمار می‌آید.

معادن طلای زره‌شوران به عنوان بزرگترین معادن طلای خاورمیانه در ۳۹ کیلومتری تکاب در جنوب آذربایجان غربی واقع شده و دارای ۱۱ میلیون تن ذخیره طلا با عیار ۷,۹ گرم در تن است که ۸۸ تن طلا و ۲ تن نقره خالص از این معدن قابل استحصال است.

معادن طلای زره‌شوران سال ۱۳۸۹ فعالیت خود را زیر نظر سپاه پاسداران حکومت اسلامی ایران آغاز و سالانه سه تن طلای خالص از آن استخراج می‌شود. این معدن بیش از ۳۰۰ کارگر دارد که بیشترشان از غیربومی و غیر گرد می‌باشند.

از دیگر سو، بیش از ۲۰۰ کارگر شرکت ذوب آهن فولاد زاگرس از شهرستان قروه با سفر به مرکز استان و تجمع در مقابل استانداری، برای دومین روز متوالی به انحلال این واحد تولیدی و بیکاری ۲۷۴ کارگر واکنش نشان دادند.

این کارگران که حقوق چهار ماه اخیر خود را نیز دریافت نکرده‌اند، به انحلال این کارخانه از سوی کارفرما معترض و ناراضی هستند

بازرس انجمن صنفی رانندگان مسافربری:
"فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها، گردابی دیگر در راه"

بازرس کانون انجمن‌های صنفی رانندگان مسافربری کشور با اشاره به پیامدهای زیان‌بار اجرای فاز اول قانون هدفمندی‌سازی یارانه‌ها برای حمل و نقل جاده‌ای و برون شهری که منجر به اعتراضات صنفی پراکنده رانندگان خودروهای سنگین شد، نسبت به پیامدهای احتمالی اجرای فاز دوم این طرح هشدار داد.

کوروش متولی رئیس انجمن صنفی رانندگان مسافربری استان مرکزی در این باره به ایلنا گفت: از ابتدای اسفند ۹۲ تا به امروز که برخی منابع انرژی به صورت غیررسمی و در راستای اجرای فاز دوم هدفمندی‌سازی یارانه افزایش قیمت داشته‌اند، لاستیک نزدیک به یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان گران شده است و پیش‌بینی می‌شود با آغاز رسمی فاز دوم، این رقم افزایش یابد.

معادن توسط دادگستری شهرستان اردکان خبر داد.

حسین جنائی با اعلام این خبر به ایلنا گفت: علی رضایور، مصطفی غلامی، حسین زندش، حمزه مظفری و محمد رضا زینبی کارگرانی هستند که روز گذشته (۱۶ فروردین) احضاریه دادگستری شهرستان اردکان به دستشان رسیده است و می‌بایست ظرف سه روز خود را معرفی کنند. آقای رضایور از نمایندگان قانونی کارگران و عضو هیات مدیره نهاد کارگری معدن چادرملو است.

به گفته جنائی، احضار این پنج کارگر به اعتراضات صنفی کارگران معدن چادرملو به اخراج بهرام حسینی‌نژاد، دبیر نهاد کارگری این معدن در بهمن ماه سال ۹۲ مربوط است که به بازداشت موقت ۲۸ کارگر این معدن در فاصله‌ی زمانی ۹ تا ۱۳ بهمن‌ماه ۹۲ انجامید.

درگیری کارگران معدن طلای زره‌شوران با نیروی انتظامی

آژانس خبرسانی گردیا:



هجدهم فروردین‌ماه، کارگران معدن طلای زره‌شوران، که همگی ساکن روستاهای زره‌شوران، هلوچلی و شهر تکاب هستند، با فرمان مسئولان این معدن از کار اخراج شدند.

خبرنگار گردیا در شهر تکاب اطلاع داد: کارگران گرد به نشانه‌ی اعتراض به این اقدام مسئولان معدن طلای زره‌شوران، راه اصلی این معدن را بسته‌اند.

این اعتراض تا ساعت ۳ بعدظهر ادامه داشته است که از سوی ماموران نیروی انتظامی شهر تکاب مورد حمله قرار گرفتند.

این کارگران گرد که بیشترشان سابقه‌ی بیش از ۲ سال کار در این معدن طلا را دارند، خواهان بازگشت بر سرکارهایشان شده‌اند که تاکنون هیچ جوابی به آنها داده نشده است.

دو معدن طلای آق‌دره و زره‌شوران در شهرستان گردنشین تکاب واقع شده

شایسته‌ی بیشترین حمایت‌ها از سوی کارگران ایران و سازمان‌ها و نهادهای حقوق بشری در سطح جهان هستند.

ما با حمایت از مبارزات شاهرخ زمانی در داخل زندان برای برخورداری از حقوق انسانی یک زندانی، همبستگی خود را با کارگران دربند و عموم زندانیان آزادی‌خواه اعلام می‌داریم و با درخواست از شاهرخ زمانی برای پایان دادن به اعتصاب غذا جهت حفظ سلامتی‌اش، حمایت همه جانبه‌ی تشکل‌های کارگری، افکار عمومی و به ویژه سازمان‌های بزرگ کارگری در سطح جهان را ضامن بهبود شرایط کارگران زندانی و آزادی آنان می‌دانیم و بدینوسیله از عموم این تشکل‌ها و نهادهای حقوق بشری در سطح جهان می‌خواهیم تا در همبستگی با کارگران ایران دست به اعتراضات گسترده‌ای در حمایت از حقوق پایه‌ای کارگران زندانی در ایران و آزادی آنان بزنند.

ما مسئولیت هر گونه آسیب جسمانی بر شاهرخ زمانی را مستقیماً متوجه بالاترین مقامات قضائی و حکومتی کشور می‌دانیم و در اولین قدم خواهان تحقق فوری خواست شاهرخ زمانی برای انتقال از زندان قزل حصار به زندان گوهردشت، توقف آزار و اذیت این کارگر زندانی و انتقال محمد جراحی، رضا شهبابی و محمد مولانایی جهت درمان به بیمارستان‌های خارج زندان و فراهم کردن شرایط لازم برای قرار گرفتن بهنام ابراهیم زاده در کنار فرزند بیمارش هستیم.

رئیس انجمن صنفی کارگران این معدن خبر داد:

پنج کارگر معدن چادرملو به دادگستری اردکان احضار شدند



رئیس انجمن صنفی کارگران شرکت آسفالت طوس (پیمانکار نیروی انسانی معدن چادرملو) از احضار پنج کارگر این



در واکنش به بی توجهی مسئولان کارگران فولاد زاگرس برای سومین بار تجمع کردند



خالد نادری نماینده کارگران کارخانه ذوب آهن فولاد زاگرس گفت: ۱۵۰ تن از کارگران شرکت ذوب آهن فولاد زاگرس برای سومین روز، در هفته جاری در اعتراض به انحلال این واحد تولیدی و بیکاری ۲۷۴ کارگر در مقابل دفتر این واحد تولیدی در شهرستان قروه تجمع کردند.

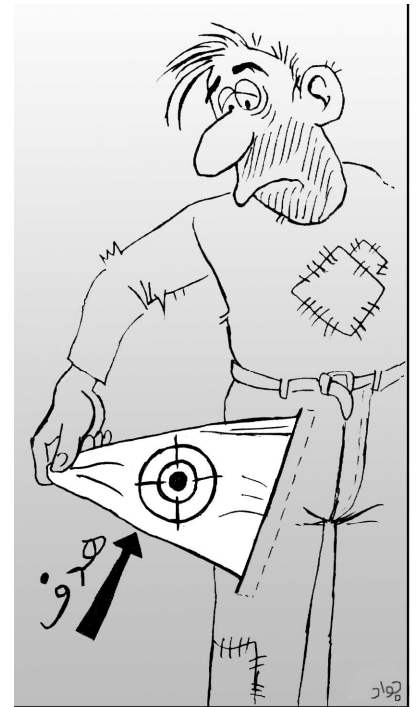
مدیرکل پزشکی قانونی استان زنجان:

۴۵۹ کارگر بر اثر حوادث کار آسیب دیدند



در سال گذشته ۴۵۹ کارگر بر اثر حوادث کار به پزشکی قانونی زنجان مراجعه کردند/ از مجموع مراجعه کنندگان حوادث کار سال ۹۲، ۴۴۴ نفر مرد و ۱۵ نفر را زن تشکیل می‌دهد.

مدیرکل پزشکی قانونی استان زنجان گفت: در مدت مشابه سال ماقبل آن شمار مراجعه کنندگان حوادث کار این استان ۴۱۴ تن بود که از این تعداد ۱۲ نفر زن و ۴۰۲ نفر مرد بودند که در مجموع رشد ۲۴/۱۰ درصدی را نشان می‌دهد.



هدفمند کردن یارانه ها!!

وی با اشاره به افزایش قیمت ۳۰ تا ۴۰ درصدی لوازم جانبی خودروهای سنگین در این بازه زمانی کوتاه، افزود: حجم مسافران نوروزی سال ۹۳ نسبت به سال گذشته ۱۵ درصد کاهش داشته که از تاثیرات افزایش هزینه حمل و نقل عمومی جاده‌ای و برون شهری به دلیل افزایش قیمت سوخت، لاستیک و لوازم جانبی خودروهای سنگین است.

به گفته متولی، بهای اتوبوس مسافربری از سال ۸۹ که فاز اول هدفمند سازی یارانه کلید خورد، تاکنون بیش از ۵ برابر افزایش یافته به گونه‌ای که قیمت آن از ۱۰۰ میلیون تومان به ۵۵۰ تا ۶۰۰ میلیون تومان رسیده است.

این فعال صنفی تصریح کرد: تداوم وضع موجود و گرانی افسار گسیخته لوازم یدکی خودروهای سنگین، معیشت رانندگان را تهدید و آنها را به زیر خط فقر هدایت می‌کند.

در پایان با بیان اینکه طرح هدفمندسازی یارانه برای حمل و نقل جاده ای و برون شهری زبان‌بار بوده است، اظهار کرد: اگر دولت روحانی در اجرای فاز دوم هدفمند سازی یارانه، به جای پرداخت یارانه نقدی به مردم، این یارانه را به خدمات عمومی از جمله حمل و نقل جاده‌ای و برون شهری اختصاص دهد، علاوه بر رونق این صنف، ترافیک جاده‌ای نیز کم خواهد شد.

تامین اجتماعی در آستانه بحران
سیدتقی نوربخش تغییرات مدیریتی در هشت سال گذشته و کسری بودجهی پنج هزار و یکصد میلیارد تومانی در سال ۹۲ را از چالش‌های عمده سازمان تامین اجتماعی در زمان حضورش به عنوان مدیر عامل سازمان مطرح کرد. مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی با اشاره به بدهی ۹۰ هزار میلیارد تومانی دولت در پایان سال ۹۲، به این سازمان گفت: این سازمان آمادگی ارائه راه حل‌های مناسب برای تعدیل بدهی‌های دولت به سازمان را دارد.

طلب کارگران به عرف و فرهنگ تبدیل شده است

با پایان یافتن تعطیلات نورزی هنوز در استان سمنان تعداد زیادی از این واحدها به دلیل ناتوانی اقتصادی فعالیت رقابتی ندارند.

حبیب الله محقق دبیر خانه کارگر استان سمنان در خصوص دلایل این رکود به اینها گفت: در چند سال اخیر به علت مشکلات تامین مواد اولیه، کمبود نقدینگی، مالیات سنگین، قوانین و بخش‌نامه‌های غیرکارشناسی دستگاه‌های اجرایی، فعالیت واحدهای تولیدی دچار رکود شده و تعداد زیادی از آنها تعطیل شده‌اند.

به گفته وی، یکی دیگر از معضلات واحدهای تولیدی که گریبان‌گیر کارگران است، تاخیر در پرداخت حقوق بوده است به طوری که کمتر واحد تولیدی پیدا می‌شود که کارگران آن سه الی چهار ماه حقوق معوقه طلبکار نباشند.

یک فعال کارگری در کارخانه «نوپوش» از زیرمجموعه‌های کارخانه پشم بافی «ایران برک» رشت از تعویق ۹ ماهه حقوق ۱۲۷ کارگر این واحد تولیدی خبر داد.

وی ادامه داد: کارگران این واحد تولیدی در سال گذشته در مجموع سه میلیون تومان دریافتی داشته‌اند که آن هم به صورت علی‌الحساب در شش قسط ۵۰۰ هزار تومانی به حسابشان واریز شده است.

به گفته وی، بعد از خصوصی‌سازی مجموعه ایران برک، کارفرمای فعلی کارخانه حتی سهمیه لباس کارگران این واحد که به صورت حواله در مناسبتهای خاص همانند ۲۲ بهمن به کارگران واگذار می‌شد را قطع کرده است.



و تنگ‌دستی و عدم مسئولیت‌پذیری دولت رو به تزاید است .

صدها گزارش مستند در مورد سوءاستفاده از کودکان کار که با کارشکنی توأم است، منتشر شده اما تا کنون کسی ندیده و نشنیده که دولت کارفرمایی را به‌خاطر به‌کارگیری کودکان تحت پیگرد قرار دهد و یا تدابیری برای این معضل اجتماعی فزاینده اتخاذ کرده باشد



یکی از دلایل اصلی گسترش شتابان و فزاینده کودکان کار کاهش ارزش واقعی مداوم دستمزد کارگران است. این عامل سبب گردیده که خانواده‌های کارگر، برای تامین بخشی از نیازهای زندگی‌شان فرزندانشان را به جای مدرسه روانه بازار کار نمایند. عامل دیگر حذف کارگاه‌هایی است که تا ۱۰ نفر کارگر دارند - که از مواد قانون کار است-.

بیشترین تعداد کودکان در این‌گونه کارگاه‌ها کار می‌کنند. ساعت کار آنها غالباً بیش از هشت ساعت است و دستمزدی که می‌گیرند بسیار ناچیز است. شرایط کاری در بسیاری از کارگاه‌ها غیر بهداشتی و ناامن است.

ابعاد گسترده‌ی کار کودکان باعث تشکیل انجمن‌های حمایت از کودکان و طرفداران مراعات حقوق کودک گردیده. در حال حاضر این انجمن‌ها که برای مبارزه با کار کودکان و حمایت‌های گوناگون از کودکان کار تشکیل شده‌اند و کارهای زیادی را انجام می‌دهند، مهم‌ترین مدافعان حقوق کودکان کار در ایران هستند.

با این حال حتی این تلاش‌ها نیز توانسته از افزایش فزاینده تعداد کودکان کار بکاهد. از طرف دیگر دولت که کار چندان‌ی برای این کودکان انجام نمی‌دهد، برخی فعالان سازمان‌های حمایت از کودکان کار و خیابانی را به خاطر روشنگری و اطلاع‌رسانی‌شان در این مورد، مورد پیگرد قرار می‌دهد زیرا نگران تاثیر روشنگری و اطلاع‌رسانی و واکنش‌هایی است که ممکن است در اثر آن برانگیخته شود.

به عنوان مثال از بهنام ابراهیم زاده و حسن صارمی فعال حقوق کودکان کار می‌توان نام برد که به‌خاطر پیگیری حقوق

وی در ادامه بیان کرد: کارگرانی که حقوق و عیدی دریافت نکرده‌اند، ایام تعطیلات نوروزی خود را بدون هیچ برنامه‌ریزی رفاهی برای خانواده‌های‌شان در منزل سپری کردند.

رئیس کانون هم‌هنگی شوراهای اسلامی کار استان قزوین گفت: تبعات تورمی اجرای فاز دوم قانون هدف‌مندی‌سازی پارانه‌ها می‌تواند باعث تشدید شرایط بحرانی کارخانه‌های نساجی شود.

محمد امانی با اعلام این مطلب به خبرنگار ایلنا یادآور شد: در ماه‌های گذشته به دلیل از سرگیری مرادوات بازرگانی با دنیای خارج، بار دیگر حضور منسوجات خارجی در بازارهای داخلی پررنگ‌تر شده است و در نتیجه تولید کنندگان داخلی برای فروش محصولات خود بار دیگر با مشکلات مشابه چند سال پیش مواجه شده‌اند.

وی با یادآوری اینکه نوسانات ارزی سال گذشته باعث شده بود تا تولید کنندگان منسوجات داخلی با وجود مشکلاتی ناشی از ساختار فرسوده بتوانند واردکنندگان منسوجات خارجی را از بازارهای مصرف خراج کنند، افزود: ثبات اقتصادی بعد از انتخابات خرداد ماه سال گذشته باعث شد تا شرایط بازار به نفع وارد کنندگان منسوجات تغییر کند.

وی ادامه داد: در نتیجه‌ی این وضعیت، بار دیگر شرایط بحرانی بر کارخانه‌های نساجی حاکم شد، به‌طوری که اکنون بیشتر کارخانه‌های نساجی استان قزوین به دلیل مشکلات ساختاری و هزینه بالای تولید با ۳۰ درصد ظرفیت خود مشغول فعالیت هستند.

این فعال کارگری با یادآوری این‌که در صنعت نساجی آب و سایر حامل‌های انرژی نقش کلیدی دارند، افزود: در چهار سال گذشته به دلیل اجرای فاز نخست قانون هدف‌مندی پارانه‌ها، هزینه‌ی کارخانه‌های نساجی به‌طور چشم‌گیری افزایش یافته است و در مقابل، دولت به این کارخانه‌ها حتی یک ریال از اعتبارات پارانه تولید را پرداخت نکرده است

وی افزود: در چنین شرایطی اجرای کنترل نشده فاز دوم قانون هدف‌مندی‌سازی پارانه‌ها می‌تواند به تعطیلی مطلق کارخانه‌های نساجی منجر شود.



کار کودکان باید ممنوع شود

صادق کار

کار کودکان زیر ۱۵ سال در ماده‌ی ۷۹ قانون کار ایران ممنوع گردیده و در ماده ۸۴ قانون، سن اشتغال ۱۸ سال تمام تعیین شده است. اما در مواد ۸۰ تا ۸۳ کار کودک به عنوان کارآموز مورد تایید قرار گرفته و شرط و شروطی نیز برای آن معین شده‌اند. علاوه بر آن، ایران کنوانسیون‌های مربوط به رعایت حقوق کودک را امضا کرده است، ولی با این اوصاف قریب به دو میلیون نفر کودک کار در ایران وجود دارد که متأسفانه تعداد شان به‌خاطر افزایش فزاینده فقر



ما خواهان اجرای کنوانسیون حقوق کودک و اصلاح و انطباق قوانین موجود با آن هستیم.

افزایش تعداد کودکان کار، فرصت های شغلی بزرگسالان و سطح دستمزد هارا کاهش می دهد.

تحصیل باید تا سطح دیپلم برای همه اجباری و رایگان گردد،

تحصیل نباید طبقاتی باشد.

آموزش رایگان برای همه ی کودکان

انجمن های مدافع حقوق کودک باید بتوانند آزادانه برای اجرای حقوق کودک و حمایت از کودکان کار و خیابانی فعالیت کنند. دولت را باید وادار به ارائه ی برنامه جهت زدودن عوامل کار کودک کرد.

کار کودکان باید ممنوع شود

کودکان باید در مدرسه آموزش ببینند و تربیت شوند. کارگاه جای مناسبی برای آموزش و تربیت کودکان نیست.

جای کودکان میز کار نیست، میز و نیمکت مدرسه است

سندیکا ها بهتر از هر نهادی می توانند در زدودن عوامل کار کودکان موثر واقع شوند و با این پدیده مقابله کنند.

کودکان کار می توان نام برد که به خاطر پیگیری حقوق کودکان کار و خیابانی به دفعات بازداشت و زندانی شده اند.

در مورد تعداد کودکان خیابانی نیز مانند بسیاری از موارد آمار دقیقی در دست نیست. علی اکبر اسماعیل پور یکی از اعضای هیأت مدیره ی انجمن حمایت از حقوق کودکان در مصاحبه با روزنامه قانون در ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۲ در پاسخ به خبرنگار این روزنامه که از او پرسید " آیا به اعداد و ارقام رشد کمی کودکان کار نسبت به سال گذشته دسترسی وجود دارد یا خیر؟" خاطر نشان ساخت: "متأسفانه آمارهای موجود، اعداد و ارقام قابل اتکایی نیستند و تنها آمار رسمی به آمار سرشماری سال ۸۵ اختصاص دارد که طبق آن یک میلیون و ۶۰۰ تا یک میلیون و ۸۰۰ هزار کودک کار در کشور وجود دارد در حالی که به طور حتم اگر این آمار را مبنای خود قرار دهیم، وضعیت کار کودکان اسفناک تر خواهد بود. علی اکبر اسماعیل پور در همین مصاحبه در باره علل افزایش کودکان کار می گوید:

"وضعیت نابسامان صنایع، بیکاری روزافزون، وضعیت نامناسب بخش کشاورزی و دامداری نشان می دهد که با وجود تورم و هزینه های سرسام آور زندگی، فشار مضاعفی به خانواده های کم درآمد و ضعیف جامعه وارد آمده و در نتیجه بار سنگین تامین بخشی از هزینه های بالای زندگی بر دوش کودکان کار خواهد افتاد در نتیجه روز به روز شاهد افزایش این کودکان در سطح خیابان های شهرهای کوچک و بزرگ خواهیم بود."

به گزارش خبرنگار قانون، مینو اعرابی، روانشناس و عضو هیأت مدیره انجمن حمایت از حقوق کودکان نیز با اشاره به مشکلات کودکان کار گفت: کار در سن کودکی از نظر روانشناسی، رشد کودکان را با وقفه روبه رو کرده و او را از یک مرحله مهم از رشد خارج و محروم می سازد.

وی افزود: لازم است با در نظر گرفتن آسیب های روانی در میان این کودکان، چنانچه نمی توان شرایط کار کودکان را از بین برد، فرصت هایی برای بازی کودک، پرورش خلاقیت و آموزش به این کودکان در کنار کار آنها در خیابان یا کارگاه ها، مهیا کرد.

افزایش تعداد کودکان کار در ایران در هشت سال گذشته در حالی رخ داده که در آمدهای نفتی در همین مدت، دو تا سه برابر شده و بالغ بر ۷۰۰ میلیارد دلار گردیده. درست در همین مدت تعداد کودکان کار بیش از نیم میلیون نفر افزایش یافته اند.

دستمزد غیر مکفی و بیکاری از عوامل اصلی افزایش فزاینده تعداد کودکان کار هستند.

دستمزد و قدرت خرید کارگران باید در سطحی که هزینه ی خوراک، پوشاک، بهداشت و آموزش خانواده های کارگری را تامین نماید و نیاز خانواده ها به کار کودک را برطرف نماید افزایش یابد.

مبارزه برای افزایش دستمزد، مبارزه علیه کار کودکان نیز هست.